



## «قمر در عقرب» چیست و چه احکامی دارد

وقتی که کره ماه در چرخش خود به دور زمین، به برج عقرب می‌رسد، می‌گویند قمر وارد عقرب شد (قمر در عقرب است) و وقتی از برج عقرب خارج می‌شود، می‌گویند قمر از عقرب خارج شد.

وقتی که کره ماه در چرخش خود به دور زمین، به برج عقرب می‌رسد، می‌گویند قمر وارد عقرب شد (قمر در عقرب است) و وقتی از برج عقرب خارج می‌شود، می‌گویند قمر از عقرب خارج شد.

Tweet

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه [خبرگزاری فارس](#)، ساعت 21:09 شب گذشته (یازدهم آبان) قمر به برج عقرب وارد شد و ساعت 22:06 روز چهارشنبه پانزدهم آبان از آن خارج می‌شود. اما «قمر در عقرب» چیست و چه احکامی بر آن مترتب است؟  
**حجت‌الاسلام وحید واحدجوان مدرس دانشگاه تهران درباره مسأله چیستی «قمر در عقرب» و احکام آن، یادداشتی نوشته و در اختیار فارس، گذاشته است:**  
**1. «قمر در عقرب» یعنی چه؟**

مراد از «قمر» یعنی کره ماه و مراد از عقرب یعنی «برج عقرب» یا «صورت عقرب»، و منظور این است که کره ماه در برج «عقرب» قرار گیرد یا کره ماه مقابل صورت فلکی «عقرب» قرار گرفته باشد.

### توضیح اینکه؛

دانشمندان، دایرة البروج در آسمان را به دوازده قسم که هر یک 30 درجه می‌شود و مجموعاً 360 درجه می‌شود، بخش نموده‌اند، و در مدارات اختران هر قسم را «برج» نامیده‌اند.

چون در هر «برجی» برخی از ستاره‌ها و به اصطلاح ثوابت (مراد، کواکب ثابت نسبی است چون نسبت به زمین، بسیار آهسته حرکت می‌کنند و مانند ثابت‌اند) گرد آمده‌اند که از هیئت اجتماع آنها صورت جانورانی تصویر رفته بود، آن «برج» را به نام صورت آن جانور نامیده‌اند که اول آنها «حمل» و آخر آنها «حوت» است؛ چنانکه به نظم گفته شده:

برج‌ها دیدم که از مشرق بر آوردند سر / جمله در تسبیح و در تهلیل حی لا یموت

چون حمل چون ثور چون جوزاء و سرطان و اسد / سنبله میزان و عقرب قوس و جدی و دلو و حوت

ملاحظه می‌شود که برج‌ها 12 تا هستند و هر یک به خاطر ستاره‌هایی که در آن «برج» دیده می‌شود نامی دارند و یکی از برج‌ها، برج «عقرب» است که برج هشتم از این برج‌هاست.

پس نام برج‌های دوازده گانه دایرة البروج با (معانی) عبارت است از:

1. برج حمل: (قوچ) / 2. برج ثور: (گاو نر) / 3. برج جوزاء: (دوپیکر) / 4. برج سرطان: (خرچنگ) / 5. برج اسد: (شیر) / 6. برج سنبله: (خوشه) / 7. برج میزان: (ترازو) / 8. برج عقرب: (کژدم) / 9. برج قوس: (کمان) / 10. برج جدی: (بزغاله نر) / 11. برج دلو: (آب کش) / 12. برج حوت: (ماهی)

و منازلی که برای ماه از اجتماع برخی از ستارگان گفته‌اند حکم صورت را دارد. کسانی که صور بروج را بشناسند، هنگامی که «قمر» در برج «عقرب» وارد شده است، چون شب به ماه نگاه کنند، فاصله میان ماه و صورت عقرب را به خوبی در می‌یابند.

به عبارت ساده، کره ماه در طول یک ماه قمری - که حدود 29/5 روز است - یک بار به طور کامل دور زمین می‌چرخد! این یک دور کامل، به دوازده قسمت تقسیم شده و برج‌هایی نیز برای هر یک از این دوازده صورت فلکی انتخاب شده (حمل، ثور، جوزاء، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو و حوت) و هر یک از این نام‌های دوازده‌گانه، متناسب با صورت فلکی ستاره‌های دوردستی است که ماه در مقابل آنها است.

لذا وقتی که کره ماه در چرخش خود به دور زمین، به برج عقرب می‌رسد، می‌گویند قمر وارد عقرب شد (قمر در عقرب است) و وقتی از برج عقرب خارج می‌شود می‌گویند قمر از عقرب خارج شد.

### 2. احکام فقهی قمر در عقرب

در کتاب‌های فقهی، وقتی قمر در عقرب است، دست کم چند مورد مکروه (نه حرام) دانسته شده است. یکی عقد نکاح، دوم اقدام برای بچه‌دار شدن (انعقاد نطفه)، و دیگری سفر.

به عنوان مثال: محقق در شرایع نوشته است: «و یرکه ایقاع النکاح و القمر فی العقرب» ازدواج و عقد نکاح (یا نزدیکی) در حالی که قمر در عقرب است مکروه است. (شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج 2، ص 211)

فقه‌های بزرگ دیگر مانند علامه، شهید اول، شهید ثانی، صاحب جواهر، سید یزدی نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند. (نگاه کنید: اللعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، ص 173؛ مسالک الأفهام إلی تنقیح شرایع الإسلام، ج 7، ص 21؛ العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج 2، ص 799)

### دلیل این مسأله

علت کراهت، روایت یا روایاتی است که در این باره وارد شده است. این روایات در کتب معتبر حدیثی مانند کافی، من لایحضره الفقیه، بحارالانوار، وافی و وسائل الشیعه موجود است.

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که: «من سافر أو تزوّج و القمر فی العقرب لم یر الحسنی»؛ یعنی در وقتی که قمر در عقرب است، هر کس مسافرت کند یا عقد نکاح نماید، نیکویی نبیند. (نگاه کنید: کافی، ج 8 ص 275؛ من لایحضره الفقیه، ج

2 ص 267؛ تهذیب، ج 7 ص 407؛ وسائل الشیعه، ج 11 ص 367؛ بحارالانوار، ج 100 ص 268؛ وافی، ج 12 ص 354) ملاحظه می‌فرمایید که این روایت و شبیه به این را اکثر کتاب‌های معتبر حدیثی نقل کرده‌اند.

### نکته دقیق علمی

آنچه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام در اجتناب از برخی امور مانند عقد ازدواج، اقدام برای انعقاد نطفه و سفر، هنگام قمر در عقرب وارد شده است، آیا مراد، بودن قمر (ماه) در خود برج عقرب است و یا در صورت آن؟ («صورت فلکی» به مجموعه چند ستاره گفته می‌شود که شکلی خاص را در ذهن بیننده القاء می‌کنند، در حالی که «برج» به هر یک از تقسیمات دوازده‌گانه دائرةالبروج اطلاق می‌شود و چون ستاره‌ها به مرور زمان، در حرکتند، بین صورت‌های فلکی و برج‌های تعیین شده، فاصله افتاده است.)

اریاب نجوم، ملاک استنباط را از هر جهت به خود بروج می‌دانند، نه به صور آنها. اکثر فقها هم گفته‌اند مراد از قمر در عقرب، برج عقرب است نه صورت و منزل آن. (نگاه کنید: مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج 7، ص، 21؛ العروة الوثقی (للسید البیضی)، ج 2، ص 799)

آیت الله حسن‌زاده آملی در هزار و یک کلمه، کلمه 554 می‌فرماید: «در هیچ کتب فقهی، قمر در عقرب را به غیر از آنچه که در نزد ارباب هیئت متعارف است، نگفته‌اند. بلکه صاحب جواهر رحمه الله در نکاح آن تصریح فرموده است که: «و ظاهر أن لفظ الخبر مقول علی عرف اهل النجوم و لا یریدون بمثله الا الکون فی البرج بالمعنی المعروف عندهم»، جز این که سید طباطبائی (رضوان الله علیه) در آداب سفر، از کتاب حجّ العروة الوثقی فرموده است: «و لیجتنب السفر من الشهر و القمر فی محاق أو فی برج العقرب أو صورته» که از اطلاق ظاهر خبر (و القمر فی العقرب) چنان استفاده کرده است و به قول صاحب جواهر: «و لکن الاحتیاط لا ینبغی ترکه». فتدبّر.»

خلاصه کلام اینکه مراد، برج عقرب است اما درباره صورت نیز احتیاط ترک نشود بهتر است.

**این سؤال و جواب فقهی را به بیان ساده‌تر نیز توضیح دهم و آن اینکه کره ماه در هر یک از این صورت‌های دوازده‌گانه (حمل، ثور، جوزاء، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو و حوت)، یک دوازدهم طول ماه قمری قرار می‌گیرد. (حدود 2 روز و 11 ساعت)**

به عنوان مثال، در هر ماه قمری، کره ماه (قمر) حدود دو روز و نیم در برج و صورت فلکی عقرب خواهد بود. پس از گذشت صدها سال از تعیین برج‌ها، صورت فلکی، از برج نجومی تعیین شده (که در واقع، موقعیت‌های 30 درجه‌ای از پیش تعیین شده بود) کمی فاصله گرفته است. چرا که ستاره‌ها (به اصطلاح، ثوابت) نیز در حال حرکتند. (حرکت آنها در مقایسه با زمین، به قدری آهسته است که ثوابت گفته شده)

از این رو، در حال حاضر، بین «برج» و «صورت فلکی» فاصله وجود دارد لذا این سؤال مهم پیش می‌آید که منظور از کراهت سفر و ازدواج در زمانی که قمر در عقرب است به چه معناست؟ آیا به این معناست که قمر در صورت فلکی عقرب است یا این که قمر در برج عقرب است؟

اکثر فقها گفته‌اند مراد برج عقرب است و برخی گفته‌اند مراد صورت فلکی عقرب است و به نظر می‌رسد حق با اکثریت فقهاست ولی احتیاطاً اگر هر دو لحاظ شود بهتر است چنانکه استاد علامه حسن زاده آملی در پایان چنین فرموده‌اند. روش احتیاط هم این است که چون قمر (کره ماه) هر دو روز و نیم - برابر 60 ساعت - از مقابل هر برج و از جمله برج «عقرب» عبور می‌کند، بهتر است حدود 24 ساعت بر آن دو روز و نیم افزود و جمعاً سه روز و نیم تا چهار روز صبر و احتیاط نمود و سپس در امر ازدواج، صیغه عقد را اجرا کرد.

### 3. چگونه بدانیم که قمر در عقرب است؟

این مسأله به وسیله برخی از محاسبات دقیق نجومی، به دست می‌آید اما آنچه در اینجا برای عموم می‌توان گفت همان مراجعه به برخی تقویم‌های نجومی معتبر است که در آنها توضیح داده می‌شود قمر در چه ساعتی وارد عقرب می‌شود و در چه ساعتی خارج می‌شود. همچنین مراجعه به اهل فن و تخصص یکی از راه‌های شناخت این مسأله است.

### 4. آیا حالات قمر و ستاره‌ها و افلاک در کره زمین تأثیر دارد؟

شکی نیست که چگونگی قرار گرفتن بعضی از کواکب آسمان - مخصوصاً سیارات منظومه شمسی- در مدارات خود، در مقایسه با یکدیگر، ممکن است تأثیرات طبیعی یا فرا طبیعی در کره زمین داشته باشد؛ مثلاً می‌دانیم جزر و مدّ دریاها بر اثر تأثیر جاذبه کره ماه است و هرگاه کره ماه و خورشید در یک سو قرار گیرند (مانند اوائل و اواخر ماه) این جاذبه قوی‌تر و حتی ممکن است روی پوسته زمین هم تأثیر بگذارد و سبب شکستگی‌ها و زلزله‌هایی شود و به عکس ممکن است بارندگی‌های قابل ملاحظه‌ای بر اثر تأثیر کرات آسمانی روی کره زمین و مانند آن صورت گیرد.

ما نمی‌توانیم بدون دلیل معتبر، تأثیر طبیعی و فرا طبیعی اوضاع فلکی را در زندگی و حالات انسان‌ها انکار کنیم؛ چرا که تمام اجزای جهان، یک واحد به هم پیوسته است و در یکدیگر تأثیر دارد.

البته اثبات تأثیر طبیعی و فرا طبیعی اوضاع افلاک در زندگی انسان‌ها در هر مورد و بدون استثنا، سخت است و بدون دلیل معتبر و با خیال، پندار و استحسان نمی‌توان چیزی را اثبات کرد؛ حال اگر از طریق معصومین علیهم‌السلام مطلبی در این زمینه ثابت شود، همان مقدار که ثابت شده قابل قبول و مورد پذیرش است. مانند پرهیز از مسأله عقد ازدواج در موقع قمر در عقرب. حتی می‌توان به نحو کلی (نه جزئی و تفصیلی) گفت: اوضاع فلکی در روزها و شب‌ها مؤثر است و روز یا شب را منشأ برخی از رخدادها می‌کند.

به تعبیر دیگر، ایام و بلکه هر لحظه از لحظات ما، تحت تأثیر اوضاع فلکی است. همچنانکه موقع طلوع خورشید، اثری وضعی بر روی زمین رخ می‌دهد ساعت بعدی اثر عوض می‌شود و این آثار، واقعی است و تخیلات نیست. لحظه لحظه که به غروب می‌رسیم تأثیرات خورشید بر زمین و موجودات زمین عوض می‌شود.

در حالات خسوف و کسوف، آثاری روی زمین ایجاد می‌شود و تا مدت‌ها روی زمین می‌ماند. این‌ها بر اساس خرافات نیست و حتی دانشمندان معاصر علم نجوم نیز اینها را بیان می‌کنند.

پس نمی‌شود اوضاع فلکی را نادیده گرفت و به نحو کلی (نه به صورت تفصیلی) می‌توان گفت از ناحیه سیارات و ستارگان آسمان، انرژی‌هایی به کره زمین می‌رسد و ما تحت تأثیر این انرژی‌ها هستیم.

#### 5. چگونه می‌توان به اثرات افلاک و ... بر حالات انسان و کره زمین پی برد؟

بعضی از اینها به خبر دادن انسان کامل و اهل ولایت بستگی دارد. در درجه اول، انبیاء (ع) و معصومین (ع) و در درجات بعدی کسانی که مقربترند مانند عرفای برجسته و کامل. (البته سند و دلالت کلام هم مهم است) همچنانکه درباره عقد نکاح و سفر در موقع قمر در عقرب، روایاتی آمده و بیشتر کتب معتبر حدیثی و فقهی آن را نقل کرده‌اند.

راه دیگر، از طرق تحقیقات تجربی و دانشمندان مربوطه است که مطالبی کشف و به اثبات برسد. پس اگر مطلبی با دلیل معتبر «نقلی»، «عقلی» یا «تجربی کشف شده و اثبات شده»، ثابت نشود نمی‌توان به آن اعتماد کرد و لذا نباید دنبال خرافات و مطالب ضعیف و غیر علمی رفت و خود را با امور ضعیف، مشغول کرد.

#### 6. آیا تأثیر «قمر در عقرب» در ازدواج، با اختیار انسان منافات دارد؟

وقتی گفته می‌شود که در روایت است که عقد نکاح در زمانی که قمر در عقرب است باعث می‌شود ازدواج، نیکی نداشته باشد برخی اعتراض می‌کنند که این مسأله با اختیار انسان، منافات دارد!

#### پاسخ این است که:

اولا انسان در انجام عقد نکاح در زمان قمر در عقرب و انجام ندادنش اختیار دارد همچنانکه در انجام بسیاری از کارهای مثبت و منفی که نتایج خوب یا بدی خواهند داشت اختیار دارد.

ثانیا انسان، مختار به معنای مطلق نیست. یعنی خیلی از امور در انسان تأثیر دارد و انسان در قبال آنها اختیاری ندارد. ما در زمان و مکان تولد خود مختار نبودیم، در رشد طبیعی بدن مختار نبودیم، در جنسیت خود مختار نبودیم، در رنگ بدن و نوع قیافه مختار نبودیم، و میلیونها مثال دیگر...

بنابراین مراد از اینکه انسان مجبور نیست و مختار است این است که انسان در سعادت و شقاوت اخروی، مجبور نیست بلکه می‌تواند راه سعادت را پیش بگیرد و اعمال نیک و خیر انجام دهد و می‌تواند راه شقاوت را در پیش گیرد و اعمال زشت و ناپسند انجام دهد گرچه در بسیاری از مسائل مانند مکان و زمان تولد، زن یا مرد بودن، فقیر یا غنی بودن، با هوش یا کم هوش بودن، زیبا یا زشت بودن، قوی یا ضعیف بودن و ... تحت عوامل دیگر و مجبور باشد. (البته برخی از این صفات مانند فقیر یا غنی، ضعیف یا قوی، می‌تواند با اختیار جزئی، تغییر یابد).

#### 7. آیا تأثیر قمر در عقرب در عقد ازدواج، مخالف توحید و موافق شرک است؟

برخی می‌گویند اگر بگوییم فلان ستاره یا ماه در برخی حالات و وقایع، تأثیر دارند مخالف توحید حرف زده‌ایم و در حقیقت، به شرک مبتلا شده‌ایم. چرا که همه تأثیرها از خداست و جز خدا چیزی نمی‌تواند موثر باشد.

پاسخش این است که اگر مراد از تأثیر، تأثیر استقلالی باشد به این معنا که ماه وقتی در عقرب قرار می‌گیرد بدون اذن خدا اثر بدی در نکاح دارد، بله در این صورت، این نظر شرک است و با توحید سازگار نیست.

اما اگر مراد این باشد که خداوند این عالم و تأثیر و تاثرات آن را طبق نظام سبب و مسببی، علی و معلولی قرار داده است. هیچ یک از مخلوقات مستقل در تأثیر یا تاثر نیستند اما این خاصیت را خداوند به آن مخلوقات عطا کرده و لحظه به لحظه به اذن خداوند تأثیر و تاثر دارند. در این صورت، هیچ مخالفتی با توحید ندارد و بلکه عین توحید است.

مثلا کسی که می‌گوید آتش می‌سوزاند اگر سوزاندن آتش را مستقلا بدون اراده الهی بداند، مخالف توحید است اما اگر باور داشته باشد که آتش به اذن خدا می‌سوزاند، عین توحید است و اساسا همه مخلوقات خداوند به اذن و حول و قوه خداوند، فعل و انفعال دارند و کوچکترین استقلالی از خود ندارند.